

حج ابراهیمی

محمد تقی رهبر

چکیده:

حج از عبادات و تکالیف شرعی اسلام است که علاوه بر جنبه‌های فردی و نقش آن بر تزکیه نفس و سیر و سلوک معنوی برای حج‌گزاران، از بُعد اجتماعی نیز نقش اساسی در حیات امت اسلامی دارد؛ همانگونه که آیات کریمه قرآن کریم، حج را عامل قیام و پابرجایی مردم خوانده و روایات نیز از تأثیر این فریضه جهان‌شمول بر تعیین همبستگی آحاد مسلمین از سراسر جهان و چاره‌جویی برای مشکلات خود و ساماندهی وضع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سخن گفته است. در این نوشتار به پیشینه حج در ادیان الهی و احیای حج ابراهیمی براساس آیات و روایات و وضع کنونی آن بر وظایف حج‌گزاران در پیوند برادری و صیانت از کیان امت اسلام و موضع‌گیری در برابر دشمنان و احیای حج ابراهیمی بر اساس منابع اسلامی و اندیشه‌های امام راحل، بنیانگذار جمهوری اسلامی در ایران و مقام معظم رهبری و مسئولیت عالمان دین در تبیین مفهوم حقیقی حج و بهره‌گیری از این فرصت شکوهمند و میعادگاه بزرگ امت اسلام می‌پردازد:

مفهوم شناسی حج

حج در لغت به معنای قصد است و در اصطلاح شرع قصد زیارت بیت الله الحرام و انجام مناسک مخصوص در ازمنه و امکانه خاص با قصد قربت؛ ﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ (بقره: ۱۹۷). حج فریضه شرعی است برای کسانی که استطاعت مالی و جسمی دارند و می‌توانند در موسم

حضور یابند؛ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (بقره: ۱۹۷)
حج برای یک بار در طول عمر واجب است. مراسم عبادی حج که حَجَّةَ الْاِسْلَام نامیده می‌شود، شامل دو دسته اعمال است:

عمره؛ شامل «احرام از میقات، طواف بیت‌الله، نماز طواف، سعی صفا و مروه و تقصیر». این اعمال را کسانی انجام می‌دهند که از راه دور به قصد حج تمتع آمده باشند.

حج؛ که عبارت است از احرام از مکه مکرمه، وقوف در عرفات (روز عرفه، نهم ذی حجه)، وقوف به مشعرالحرام (مزدلفه)، شب عید قربان، رمی جمره عقبه، قربانی و حلق (سر تراشیدن) یا تقصیر در منا روز عید قربان، رمی جمرات روزهای یازدهم و دوازدهم و برخی موارد روز سیزدهم، میبت به منا شب‌های یازدهم و دوازدهم، بازگشت به مکه و طواف و نماز طواف حج تمتع و سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز آن.

حج سه گونه است؛ «تمتع، به ترتیبی که ذکر شد. «قران» و «افراد» که عمره آنها بعد از اعمال حج به ترتیب خاص انجام می‌شود.»

اماکن و مشاعر

میقات: محل محرم شدن است که برای حج گزاران از چند نقطه مختلف تعیین شده است. زائران در آنجا لباس مخصوص احرام را پوشیده و نیت می‌کنند.

حرم: محدوده‌ای خاص از مکه و پیرامون آن می‌باشد که با علائم مخصوص معین شده است. مکه که «بکه» نیز نامیده می‌شود، شهری است که مولد رسول الله است و با سوابق معنوی از قداست خاص برخوردار می‌باشد و به «البلد الحرام» و «البلد الامین» موصوف است.

مسجد الحرام: قبله گاه مسلمانان که از قداست ویژه‌ای برخوردار است؛ ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ (بقره: ۱۵۰).

کعبه: نخستین خانه‌ای است که برای مردم بنا شده؛ ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾ (آل عمران: ۹۶).

کعبه دارای چهار رکن است: رکن حجر، رکن عراقی، رکن شامی و رکن یمانی که «مستجار» در نزدیکی آن قرار دارد.

حجرالاسود: سنگی است که در رکن حجر قرار دارد و طواف از آنجا آغاز می‌شود و بدانجا ختم می‌گردد و استلام آن مستحب است. گفته شده این سنگ از بهشت به زمین آمده و به

«يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» موسوم گردیده و به صورت نمادین دست خدا است و زائر با خدا تجدید میثاق می‌کند.

حجر اسماعیل: نیم دایره‌ای است بین رکن عراقی و شامی که باید داخل طواف باشد. براساس روایات، اینجا خانه‌ی هاجر و اسماعیل بوده که در آنجا دفن نیز شده‌اند و به گفته‌ی روایات، مزار پیامبران دیگری نیز می‌باشد. ناودان طلا در حجر جریان دارد و پرده‌ی کعبه همه‌ساله تجدید می‌شود.

مقام ابراهیم: جای ایستادن حضرت ابراهیم است آنگاه که بنای کعبه را بالا می‌برد و در نزدیکی کعبه با فاصله ۱۳/۵ متر قرار دارد و نماز طواف پشت آن انجام می‌شود؛ «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران: ۹۷). «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره: ۱۲۵).

زمزم: چشمه‌ی آبی است در مسجد الحرام که برای نخستین بار برای اسماعیل و هاجر جوشید و از آن پس، مؤمنان از آن می‌نوشند و طبق روایات بدان استشفای می‌جویند.

صفا و مروه: دو کوه است در جوار مسجد الحرام که زائر مسافت فیما بین آن دو را هفت بار (شوط) می‌پیماید و خاطره‌ی هاجر، مادر اسماعیل را زنده می‌کند که آسیمه سر در طلب آب، آن مسافت را پیمود و پس از آن، غربت و حیرت آب زمزم جوشیدن گرفت؛ «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره: ۱۵۸).

عرفات: وادی همواری است در ۲۱ کیلومتری شهر مکه که زائران روز نهم ذی‌الحجه از ظهر شرعی تا غروب آفتاب به نیت اعمال حج و قوف می‌کنند و به راز و نیاز می‌پردازند. **مزدلفه، مشعر:** نقطه‌ای است از بیابان، حد فاصل عرفات و منا که در شب دهم ذی‌حجه (عید قربان) زائران وقوف می‌کنند.

منا: سرزمینی است هموار میان کوه‌های مجاور که حضرت ابراهیم فرزندش اسماعیل را به امر پروردگار برای قربانی کردن به آنجا برد و خداوند فدا فرستاد و حاجیان به قربانی و رمی جمرات می‌پردازند.

جمرات: ستون‌های سنگی سه‌گانه‌ای است که به ترتیب در منا نزدیکی مکه قرار دارد و حج‌گزاران آنها را به عنوان نماد شیطان رمی می‌کنند و در حقیقت با سنگ‌زدن به آنها، شیطان‌های مرئی و نامرئی را رجم می‌کنند و این نیز تاسی به حضرت ابراهیم و اسماعیل عليهما السلام است که در مسئله‌ی قربانی با وسوسه‌ی شیطان روبه‌رو شدند و او را با رمی طرد کردند. **نگاهی به پیشینه کعبه:** «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶).

آن روز که ابراهیم خلیل الرحمان به امر پروردگار، همسرش هاجر و فرزند خردسال خود اسماعیل را به آن سرزمین مبارک کوچ داد و در آن وادی سوزان سکنی گزیدند، خلیل خدا هنگام وداع با آن دو میهمان قریب، به درگاه خداوند چنین عرض نیاز کرد:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾
(ابراهیم: ۳۷) * ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج: ۲۶)

از این دو آیه کریمه و شواهد روایی و تاریخی بر می آید که کعبه و بنیان اصلی آن، از پیش در این میعادگاه توحید وجود داشته و ابراهیم خلیل تجدید کننده بنای آن بوده است و این هنگامی بود که اسماعیل به سن جوانی رسید و همراه پدر کعبه را نوسازی کردند؛ ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (ابراهیم: ۱۲۷)

همچنین این پدر و فرزند مأمور شدند که کعبه و مطاف موحدان را از لوث کفر و شرک و هر پلیدی دیگر پیراسته نمایند؛ ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵)
به یاد آورید که این خانه را پناهگاه مردم و کانون امن قرار دادیم و از مقام ابراهیم جایگاه نماز بگیریید و ما با ابراهیم پیمان بستیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و رکوع و سجود کنندگان پاک و پیراسته نگاه دارد.

تعبیر از کعبه به «خانه خدا» ﴿بَيْتِي﴾ در آیه کریمه، از باب تکریم و تشریف است و گر نه ذات احدیت منزله از مکان و زمان است؛ مانند ﴿نَفَعْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي﴾ در خلقت آدم که شرافت و کرامت انسان را بیان می کند.

پیشینه حج

مکه بلد امن، مهبط وحی، کعبه بیت عتیق و میعادگاه طلایه داران توحید و هدایتگران رسالت آسمانی از هبوط آدم تا حضرت ابراهیم و از ابراهیم خلیل تا حضرت محمد ﷺ و اوصیای آن حضرت است و خداوند اولین و آخرین را به طواف این بیت مبارک فرا خوانده است. (به موجب روایات، قبل از هبوط آدم نیز کعبه مطاف فرشتگان بوده است).^۱
امیر مؤمنان (علیه السلام) با اشاره به تاریخ و پیشینه کعبه و عبادت پیرامون آن می فرماید:

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَخْرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا... ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَوَّأُوا أَعْطَاهُمْ نَحْوَهُ...»^۲

«آیا نمی‌نگرید که خداوند انسان‌های پیشین؛ از عهد آدم تا آخرین آنها، در این جهان را به سنگ‌هایی که سود و زیان نمی‌رسانند و نمی‌بینند و نمی‌شنوند، در معرض امتحان قرار داده و آن را خانهٔ محترم خود ساخته است؟ خانه‌ای که پابرجایی مردم بدان بستگی دارد... آنگاه آدم و فرزندانش را فرمان داد که آن را طواف کنند...»

نوبت به حضرت ابراهیم می‌رسد که پس از بنای خانه، به امر پروردگار ندای حج را می‌نوازد و دعوت می‌کند که از دور و نزدیک و پیاده و سواره به قصد حج بار سفر ببندند؛

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ... وَادِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۶ و ۲۷).

کعبه در طول تاریخ تحولاتی داشته که موضوع این نوشته نیست. خلاصه اینکه: این خانهٔ مبارک در تمام ادوار تاریخ از قداست و شرافت خاصی برخوردار بوده و بنای آن نیز دستخوش تغییراتی گردیده است. در جاهلیت نیز مورد توجه بوده هرچند مراسم حج جاهلی با خرافه شرک و ناروایی‌ها همراه بوده که با بعثت ختمی مرتبت کعبه و حج ابراهیمی جایگاه واقعی خود را باز یافته که تا امروز و برای همیشه چنین بوده و خواهد بود.

حج ، پاسخی رسا به ندای ابراهیم

- اعمال و آداب حج در آیات متعدد، با ذکر کلیات و برخی جزئیات آن تبیین شده است.
- قرآن کریم حج را دستور مستقیم خداوند می‌داند؛ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ۹۷).
- و خانهٔ کعبه را بیت محترم و حریم کبریایی شمرده که قیام و پابرجایی مردم بدان وابسته است؛ ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (مائده: ۹۷).
- و کعبه بیت عتیق، به معنای کهن و آزاد از هر نوع سلطه‌ای که مردم به طواف آن مأمور شده‌اند؛ ﴿وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۹).
- و مؤمنان باید خدای این بیت محترم را بپرستند نه هیچ چیز دیگر را؛ ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾ (قریش: ۲۳).

- خداوند بزرگ حضور در موسم و انجام مناسک حج بیت را کانون خیر و بهره و منافع برای مردم قرار داده است؛ «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» (حج: ۲۸). این منافع در حال اطلاق، شامل منافع مادی و معنوی، فردی و اجتماعی می‌باشد.

- حج را در زمان و مکان محدود و معین واجب نموده تا مسلمانان در این زمان و آن مکان مقدس، از همه سرزمین‌ها بیایند و یکدیگر را ببینند و به مصالح امت اسلام ببیندیشند. «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ...» (بقره: ۱۹۷).

روایات منقول از پیامبر خدا ﷺ و اوصیای آن حضرت در فریضه حج و احکام و مسائل آن، در منابع روایی، به‌طور گسترده آمده و فقها به شرح و بیان آن پرداخته و در اختیار زائران قرار داده‌اند، همانگونه که سیره عملی پیامبر در حج برای مردم درس آموز بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پیامبر خدا ده سال در مدینه به سر بردند و حج نگزاردند تا اینکه آیه «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (حج: ۲۷) نازل شد و موظف گردید تا آهنگ حج را در میان مردم اعلام کند تا پیاده و سواره از راه‌های دور و نزدیک بیایند. به دنبال این فرمان، حضرتش منادیان را دستور داد تا با بانگ بلند اعلام کنند: «پیامبر عازم حج است.» در پی این اعلام، مردم مدینه و پیرامون آن و دیگر اعراب آگاه شدند و برای برگزاری فریضه حج بار خود را بستند تا در ملازمت پیغمبر حج بگذارند و مسائل و مناسک را از آن حضرت فرا بگیرند. آنگاه امام صادق علیه السلام تمام اعمال و مناسک را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده بود، از آغاز تا پایان به‌طور مشروح بیان فرمود.^۳ بدین ترتیب حج پیامبر گرامی، آموزش عملی مناسک نیز بود که پیروان آن حضرت تا قیامت آن را آن‌گونه انجام دهند که پیامبر انجام داد.

(گفتنی است، طبق روایات، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مکرر حج گزارده‌اند و آنچه در روایت فوق آمده حج رسمی پس از فتح مکه با حضور عموم حج گزاران بوده است).

نقش ائمه علیهم السلام در تبیین مسائل اسلام؛ از جمله حج و احکام و اسرار آن، بسیار برجسته بوده و این مطلب را پیشوایان اهل سنت نیز اعتراف دارند؛ از جمله شیخ صدوق از قول ابوحنیفه النعمان ابن ثابت، یکی از پیشوایان اهل سنت آورده است: «لَوْ لَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ مَا عَلِمَ النَّاسُ مَنَاسِكَ حَجِّهِمْ»^۴ «اگر جعفر بن محمد نبود مردم مناسک حجشان را نمی‌دانستند».

ویژگی حج

اعمال حج، بیشتر حرکات است که به شیوه نمادین انجام می‌شود و اسرار و رموزی را در تاریخ موحدان باز می‌گوید؛ اسرار و رموزی که با زندگی طلایه‌داران رسالت و هدایت آمیخته است. حج با جنبه جمع‌الجمعی، سایر عبادات را نیز در درون خود دارد. از نماز و نیایش گرفته تا انفاق و ایثار، هجرت و جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و تعاون و تفاهم... در انجام این فریضه، قلب و قالب، زبان و عمل، لفظ و معنا، شعار و شعور، فرد و جمع، حرکت و وقوف مشارکت دارند.

حج یک مکتب است و یک مدرسه با مایه آموزشی و پرورشی که موحدان از سراسر جهان بار سفر ببندند و درس زندگی پاک اسلامی را بیشتر تمرین کنند و به دیار خود برگشته و پیام ابراهیمی را برای شهروندان خود باز گویند و شمیم جان فزای اخلاق محمدی ﷺ را سوغات سفر برند. حج هجرت الی الله است. در این اردوگاه انسان‌سازی و تهذیب و تقدس، انسان‌ها سیر و سلوک، عرفان و عبودیت و اخلاق اسلامی را تجربه می‌کنند و مناسک حج هر یک سرفصلی است برای ساختن انسان کامل، همان راهی که پیامبران خدا و طلایه‌داران ایمان پیمودند و به ترویج و اشاعه آن مأمور شدند. در مرحله نخست این هجرت، قلب را باید به خدا سپرد و سپس قلب را به خدمت گرفت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابِ كُلِّ حَاجِبٍ...»^۵
«آنگاه که عزم حج کردی قبل از عزمیت قلبت را برای خدا خالص و خالی گردان و از همه شواغل و موانع تهی کن...».

حج، هجرت الی الله است، هجرت و انقطاع در درون حج نهفته و نقطه آغازین آن در عهد خلیل الله با همین فلسفه بوده و این فلسفه باید در روح حج باقی و ماندگار باشد، تجرید قلب و خلوص نیت، هجرت برای قرب و حضور در خلوت ضیافه الله.

اسرار حج

در مورد اسرار حج روایات بسیاری وجود دارد؛ از جمله امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِنَوَاضِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ...»^۶.

«خداوند سبحان حج را نشانه تواضع مردم در برابر عظمت او و اذعان به عزت

خداوندی قرار داد و از میان خلق کسانی را برگزید که دعوت او را پاسخ دهند و سخن او را تصدیق کنند و در جایگاه پیامبران قرار گیرند و همانند فرشتگان که به عرش طواف می‌کنند، خانه کعبه را طواف نمایند و در این بازار عبودیت سود معنوی ببرند و خود را به وعدگاه آمرزش او برسانند. خداوند سبحان حج را پرچم اسلام و برای پناهندگان حرم امن قرار داد....»

تلبیه، احرام، طواف، وقوف، سعی، رمی و قربانی، هریک مفهوم خاص و آموزه به خصوصی را به جان حج گزاران تزریق می‌کند که در زندگی فردی و اجتماعی ذخیره‌ای گرانبها است و در اندیشه عمل آثار آن شکوفا می‌شود. در پیام حضرت امام به زائران خانه خدا می‌خوانیم:

«گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گرد دیگری نگردید و رَجْمَ عَقَبَاتِ، رجم شیاطین انس و جن است. شما با رجم با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابرقدرت‌ها را از کشورهای اسلامی عزیز برانید. امروز جهان اسلام به دست آمریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره‌های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید؛ پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.»^۷

و حجرالاسود به مثابه دست خداست که زائران پیمان بیعت با معبود می‌بندند که به میثاق

توحید و نفی شرک پایبند باشند. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«طُوفُوا بِالْبَيْتِ وَ اسْتَلِمُوا الرُّكْنَ فَإِنَّهُ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...»^۸

«خانه خدا را طواف و رکن (حجرالاسود) را لمس کنید که (به مثابه) دست خدا در زمین است.»

مقام ابراهیم

نماز در مقام ابراهیم رمز قیام الله است و آنان که در این مقام به نماز می‌ایستند، پیمان می‌بندند در برابر نمرودهای زمان و هر آنچه رنگ شرک و طغیان دارد بایستند و ره توشه معنوی نماز و نیایش را جانمایه این استقامت سازند، آنگونه که ابراهیم خلیل ایستاد و حضرت خاتم النبیین ﷺ این راه را ادامه داد و هبل و لات و عزی را از کعبه بیرون ریخت و کعبه حق را از سلطه طاغوت‌ها آزاد کرد و سبط گرامی پیامبر، حسین بن علی علیه السلام از مکه آغاز نهضت نمود و تا شهادت ایستاد و بت‌گران جدید و وارثان جاهلی را به تاریخ سپرد و حج ابراهیمی را احیا نمود و امام منتظر علیه السلام از همان جا قیام عدالت گستر جهانی را اعلام خواهد کرد. پس کعبه مبدأ قیام‌های توحیدی بود

و امت اسلام باید درس آموز این مکتب باشد؛ ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ
وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۶۸)

تهذیب نفس

حج مدرسه انسان‌سازی و کارگاه تهذیب و تزکیه است؛ «حج در ماه‌های معینی است. کسانی که در این ماه‌ها حج می‌گذارند. در حج آمیزش جنسی، گناه و جدال نیست و هر کار نیکی انجام دهید خدا آن را می‌داند و توشه بگیرید که بهترین توشه پرهیزکاری است و از من (خدا) بترسید ای خردمندان.» (بقره: ۱۹۷)

حج گزار در این سفر معنوی تمرین می‌کند که با کسب تقوا و تملک نفس این سرمایه را برای تمام عمر حفظ کند و از حج که بر می‌گردد، نمونه یک انسان آراسته و پیراسته گردد. در روایت است که علامت قبولی حج این است که حج گزار از گناهان گذشته خود پاک و راه و روش زندگی‌اش خدایی شده باشد.

حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه احیا کننده حج ابراهیمی در عصر ما در این باره می‌فرماید:

«در میقات‌های الهی و مقامات مقدس، در جوار خانه پر برکت خداوند تعالی، آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم، مراعات و قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگی‌های به غیر حق، آزاد و از آنچه غیر دوست هست، تهی و با انوار تجلیات الهی منور گردد، تا اعمال و مناسک این سیر الی الله با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد. و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وزرهای منی و منیت، با کوله باری از معرفت حق و عشق محبوب، به اوطان خود بازگردند...»^۹

همین مطلب را در پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام بدین گونه می‌نگریم:

«حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیت ماست؛ هجرت از آن زندانی است که ما را احاطه کرده و گوهر یکدانه بی‌نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگاه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی‌هایی است که از هوا و هوس ناشی می‌شود؛ هجرت از خودخواهی‌هایی است که ما را از خدا دور می‌کند؛ هجرت از طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌هایی است که زندگی انسان‌ها را از هم جدا می‌کند و فقیر و غنی، شریف و وضعی، بزرگ و کوچک - بر طبق معیارهای عامیانه مردمی - را به هم نزدیک می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد و وجه مشترک همه انسان‌ها؛ یعنی

عبودیت را در همه زنده می‌کند.

اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم. هجرت الی الله کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار دهیم. چگونه ممکن است حجّ ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که: اگر می‌خواهید بدانید آیا حجّ شما قبول شده است یا نه، ببینید گناहانی را که مرتکب می‌شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است و به خدا نزدیک شده‌اید. معیار، اینهاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن...»^{۱۰}

سفر حج تصویری است از سفر آخرت و احرام رمز لباس آن سفر، میقات میعادگاه عشق و رستاخیز خلق و نمودی از محشر و توشه این سفر قلب سلیم است.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء: ۸۹)

کعبه معظمه، بیت عبودیت و معرفت و حج کانون هدایت و دعوت، رحمت و مغفرت، قسط و عدالت، عظمت و اقتدار، امامت و امت، دیانت و سیاست، دنیا و آخرت است. به بیان رهبر معظم انقلاب:

«حج عبادت است و ذکر و دعا و استغفار؛ اما عبادتی و ذکر و استغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه امت اسلامی و نجات آن از زنجیرها و غل‌های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزویق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالت از آن. این است حجی که از پایه‌های دین به‌شمار رفته و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه آن را علم اسلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده فقر و تنگدستی و مایه تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است.»^{۱۱}

پرچم بر افراشته اسلام

این علم بر افراشته اسلام همواره باید بر فراز باشد و خانه‌های مردم دیگر باید فروتر از کعبه ساخته شود. و در این جهت همه یکسانند، فقیر و غنی و شاه و گدا ندارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يُرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ».^{۱۲}

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَأَلَّا يَنْبَغِي أَنْ يُرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ».^{۱۳}

مکه، منطقه آزاد اسلامی و کعبه بیت عتیق و آزاد است و کسی مالک آن نیست. از امام

باقر علیه السلام پرسیدند: چرا کعبه بیت عتیق نامیده شد؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «لأنه بیت حُرِّ عَتِيقٍ مِنَ النَّاسِ وَ لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ»^{۱۴} برای اینکه این خانه در تملک احدی از مردم و یا دولتی نیست و آزاد است.

کعبه، نخستین خانه‌ای است که برای مردم تأسیس شده است. (آل عمران: ۹۶). خانه مردم بدون نام و نشان و رنگ و اقلیم و نژاد و تبار؛ خانه‌ای به دور از آرایش‌های مادی و زرق و برق به شیوهٔ کاخ اشراف و شاهان و حکام. قوام است و حیات مادی و معنوی مردم به این خانه پیوند خورده است؛ «جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده: ۹۷). همه باید به این خانه مبارک رو کنند و آن را قبله نماز خود سازند و برای طواف آن بار سفر بندند و حیات و مماتشان به سوی آن و در حقیقت به سوی صاحب این خانه باشد. این خانه از آن خلق است نه ارباب قدرت و آنها نمی‌توانند خلق را از آن محروم کنند و از کعبه و حرم در مقاصد خاص بهره‌گیری نمایند. کعبه وسیلهٔ هدایت برای جهانیان است «وَهُدِيَ لِلْعَالَمِينَ» امیر مؤمنان، علی علیه السلام حج را رمز اقتدار دین و کعبه را علم اسلام نامیده است «وَالْحُجَّ تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ»^{۱۵}، «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا»^{۱۶} و چنانکه می‌دانیم پرچم، نماد یک کشور و رمز استقرار و استقلال و پایداری یک سپاه است. افتادن آن نشانهٔ سقوط و شکست. بنابراین، پرچم حج باید همواره افراشته باشد تا دین پایدار بماند.

امام صادق علیه السلام قوام دین را به قیام کعبه پیوند داده، می‌فرماید: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»^{۱۷}. و نیز در خطابهٔ تاریخی حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «وَالْحُجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ»^{۱۸}. با توجه به این برکات و منافع حیاتی است که تعطیل حج به هیچ وجه جایز نیست و برای حکومت اسلامی در اقامهٔ حج مسئولیت خطیری مقرر شده که در هیچ یک از فرائض مانند آن بدین صورت وجود ندارد و آن این است که نباید خانهٔ خدا را خالی بگذارند و اگر مردم از رفتن به حج تساهل کنند آنان را به حج الزام کند و هرگاه مردم توان مالی نداشتند، از بیت المال هزینه سفر آنان را تأمین نماید.^{۱۹}

گنجینه بی‌پایان حج

بازشناسی اسرار حج و منافع بی‌پایان آن، از وظایف مسلمانان به‌ویژه عالمان و محققان درد آشنا است که با رویکرد مجدد به این فریضهٔ جهان شمول، برکات و آثار سازنده و تعیین کننده

آن را مرور کرده و با شجاعت و صداقت برای دیگران باز گویند.

به بیان حضرت امام خمینی علیه السلام:

«حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت.»^{۲۰}

«حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هرنژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیین سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.»^{۲۱}

همچنین مقام معظم رهبری در بخشی از پیام به زائران بیت الله می‌فرماید:

«فرارسیدن ایام حج، همه‌ساله، همراه با شوق و حنین دل‌های شیفته و جان‌های آرزومندی از سراسر جهان اسلام است که در جوار خانه معبود و دیار محبوب، سر بر آستان عشق و تقدیس گذارند و جبهه تعبد و تقرب بر خاک آن مقام بسایند. ایام معلومات را در سایه ذکر و نیایش بگذرانند و در پناه رحمت و مغفرت حق بیارمند. برادران دور افتاده خود از چهارگوشه عالم را ببینند و شکوه امت اسلامی را در نمونه‌های زنده و مجسم، حس کنند.»^{۲۲}

در پیام دیگر معظم له به زائران بیت الله می‌خوانیم:

«دل را در زمزم صفا و ذکر و خشوع شست و شو دهید؛ چشم باطن را به آیات روشن حضرت حق بگشایید؛ به اخلاص و تسلیم، که نشانه عبودیت حقیقی است، روی آورید؛ خاطره آن پدری را که با طوع و تسلیم، اسماعیلش را به قربانگاه برد، بارها و بارها در دل زنده کنید؛ و بدینگونه راه روشن و آشکاری را که برای رسیدن

به دوستی ربّ جلیل در برابر ما گشوده است، بشناسید و قدم نهادن در آن را به همت مؤمنانه و نیت صادقانه خود بسپارید.

مقام ابراهیم یکی از همان آیات بینات است. جای پای ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه شریف، تنها نمادی از مقام ابراهیم است. مقام ابراهیم، مقام اخلاص و گذشت و ایثار اوست؛ مقام ایستادگی او در برابر خواست نفسانی و عواطف پدران و نیز در برابر سیطره کفر و شرک و سلطه نمود زمانه است.

این هر دو راه نجات، هم‌اکنون در برابر یکایک ما احاد امت اسلامی گشوده است. همت و شجاعت و عزم راسخ هر یک از ما می‌تواند ما را روانه به سوی همان هدف‌هایی سازد که پیام‌آوران رسالت الهی، از آدم تا خاتم، بشر را به سوی آن فراخوانده و وعده عزت و سعادت در دنیا و آخرت را به رهپویان آن داده‌اند.^{۲۳}

احیای حج ابراهیمی

حج با ظرفیت عظیمی که دارد می‌تواند بسیاری از مشکلات امت اسلام را سامان دهد. مع‌الاسف این گنجینه گرانسنگ اسلامی، نه به درستی شناخته شده و نه از ظرفیت آن بهره برداری شده است.^{۲۴} حضرت امام خمینی علیه السلام معتقد بود که حج مانند قرآن همچنان ناشناخته مانده و با این دو، تنها به ظواهر بسنده شده و برای احیای قرآن و شناخت ظرفیت حج باید تلاش کرد و خود به این امر خطیر همت گماشت و حج مفهوم و معنای مناسب آن را دارد. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.»^{۲۵}

«بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.»^{۲۶}

امام بزرگوار علیه السلام از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بر آن شد تا حج را آنگونه که هست به عنوان یک ذخیره بزرگ اسلامی معرفی کند و در پیام‌ها و سخنرانی‌ها به این امر مهم پرداخت. پیام‌های امام علیه السلام به زائران بیت الله الحرام که همه ساله روشنگر مسلمانان جهان بود،

نگاه خشک و مرتجعانه پیشین را دگرگون ساخت و روحی تازه به حج دمید و می توان گفت بنیانگذار جمهوری اسلامی از اسلام و قرآن و حج پرده برداری کرد و حج ابراهیمی را بار دیگر احیا نمود. این مطلب را در بیان رهبر معظم انقلاب بدین گونه می خوانیم:

«باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضة الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه عمل بر همه ملت های مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه علمای دینی و روشن بینی و مساعدت دولتمردان همه کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.»^{۲۷}

معظم له در بخش دیگری از یک پیام به حج گزاران از نقش امام خمینی علیه السلام در احیای حج می فرماید:

«در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت، امام راحل کبیر ما بود. او حج ابراهیمی را ندا کرد و خلائق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلاى: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾ را به گوش جهانیان رسانید. حج ابراهیمی همان حج محمدی است که در آن، حرکت به سمت توحید و اتحاد، روح و سرلوحه همه مراسم و شعائر است، حجی مایه برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امت واحده، حجی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجی که در آن ملت های مسلمان، وجود امت فراگیر محمدی صلی الله علیه و آله و حضور خود در آن را لمس می کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملت ها، از احساس ضعف و عجز و خود باختگی رها می شوند.»^{۲۸}

حج و رجم شیاطین

یکی از ابعاد فریضة حج مبارزه با شرک در چهره های مختلف آن است. حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره می فرماید:

«خداوند به ابراهیم علیه السلام فرمود: ﴿وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (حج: ۲۶)

و این تطهیر از همه ارجاس است که بالاترین آنها شرک است که در صدر آیه کریمه است و در سوره توبه می‌خوانیم: ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (توبه: ۳). و مهدی منتظر علیه السلام در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می‌دهند و ما باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سر دهیم و با فریادها و دعوت‌ها و تظلم‌ها و افشاگری‌ها و اجتماعات زنده و کوبنده در جمع مسلمین در مکه مکرمه بت‌ها را بشکنیم و شیاطین را که در رأس آنها شیطان بزرگ است در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله، مهدی عزیز علیه السلام را به‌جا آورده باشیم، و الا در حق ما گفته می‌شود «مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجَ وَأَقَلَّ الْحُجَّيجَ».^{۳۰ و ۳۹}

همین مضامین را در پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله بدین‌گونه می‌خوانیم:

«حج، کانون معارف اسلام و بیان‌کننده سیاست کلی اسلام برای اداره زندگی انسان است. حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم علیه السلام است که گفت: ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۱۹). صحنه اتحاد عظیم امت اسلامی برگرد محور توحید و برائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت‌هاست. و بت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت‌های شیطانی سلطه‌گر و جبار، و چه عصبیت‌های جاهلی و ناحق که: ﴿فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ (یونس: ۳۲).

حج ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله و حج علوی و حسینی علیه السلام آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران همراه باشد.»^{۳۱}

حج تجلی توحید و نفی شرک

حج مظهر وحدت و کعبه مناره توحید است، اینکه در آیات کریمه مربوط به حج بارها از ذکر الله سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیر خدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط محور و مرکز هر حرکتی خدا است و طواف و سعی و رمی و برائت از انداد الله است. این

است آن ملت حنیف ابراهیم علیه السلام بت شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله تاریخ و در ادامه از تنوع آلهه و مظاهر شرک در عصر کنونی در پیام مقام معظم رهبری می خوانیم:

«شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه خدا و حج باید در همه زمان ها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناک تر از آن، بت های زر و زور استکبار و نظام های جاهلی و استکباری است که همه فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.»^{۳۲}

«بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند، بت قدرت آمریکا است که همه شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملت ها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود که نقطه مقابل مصالح مسلمین است حرکت می دهد. عبادت، همین اطاعت بی چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن آمریکا، بر ملت ها تحمیل می شود و آنان با شیوه های گوناگون، به سمت آن سوق داده می شوند.»^{۳۳}

کنجینه بی پایان حج

مقام معظم رهبری در پیامی دیگر در بیان نقش تحول ساز حج می فرماید:

«حج درست، می تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه بت های درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوس های پست کننده و قدرت های اسیرکننده آدمی اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع ناپذیر می سازد.

و نیز حج درست می تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکرهای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرف ها و دردها و پیشرفت ها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه های آنان را متبادل سازد.»^{۴۳}

حج محور وحدت و عظمت امت اسلام و رهایی از اسارت هایی است که مظاهر شرک و

بت‌های زنده بر امت مسلمان تحمیل کرده‌اند. به بیان رهبر معظم انقلاب:

«حج می‌تواند روح توحید را در دل‌ها زنده کند، تکه‌پاره‌های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده‌اند، نجات دهد. حج می‌تواند دردهای مسلمین را به علاج نزدیک کند و بزرگ‌ترین درد آنان را - که سلطه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کفر و استکبار است - درمان نماید. حج می‌تواند دلبستگی‌های اسارت‌آفرین را از دل‌ها بشوید و در مقابل، ارتباط با خدا و با بندگان خدا را در فرد و جمع مسلمانان تقویت نماید و همین دلیل است که سیاست‌های حاکم بر حجاز، از حج واقعی و حامل مضمون الهی و سیاسی بی‌مناکند و قدرت تحمل آن را ندارند.»^{۳۵}

وحدت و همدلی امت در حج

کنگره عظیم حج همه ساله میلیون‌ها مسلمان از سراسر جهان را در بر می‌گیرد که با اعتصام به رشته استوار ایمان گرد آمده‌اند تا سر تعظیم در برابر خداوند قبله فرود آورند و همه با شعار توحید و وحدت به یک هدف واحد بیندیشند و آن قرب حق تعالی و بهره گرفتن از برکات این جمع بی‌نظیر و برگشتن با جان مایه معنوی برای ادامه زندگی شرافتمندانه است و به مسائل و مصالح امت اسلام در جای‌جای جهان فکر کنند. پیوند برادری در این همایش بزرگ دست‌آورد بزرگ حج است. به بیان مقام معظم رهبری:

«در حج باید تا سرحد توان و امکان، پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد و ضمن استفسار از مسایل و حوادث آنان، حقایق مسلم سیاسی که امروز در فضای جمهوری اسلامی بر اکثر یا همه مردم آشکار است به آنان انتقال یابد و آیه کریمه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ» تحقیق پذیرد.»^{۳۶}

پرهیز از تفرقه در حج

از وظایف مهم حج‌گزاران از هر کشور و ملت، این است که بر مسائل محوری که امت اسلام بدان باور دارند و بر اصول مشترک تکیه کنند و از آنچه عامل تفرقه مسلمین است پرهیزند و به تفرقه افکنان مجال ندهند؛ همانگونه که در پیام حضرت امام خمینی علیه السلام آمده است:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب

تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند»^{۳۷}

همچنین حضرت امام با تأکید بر رعایت وحدت امت انجام مناسک حج را طبق فتاوا و حکم قضات اهل سنت مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید:

«در وقوفین متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید»^{۳۸}

در عین حال امام راحل تأکید داشتند که مسلمانان جهان به‌ویژه نخبگان و علما و دانشمندان در کنگره عظیم حج از حال یکدیگر و مشکلات موجود کشورها با خبر شوند و در دیدارهای صمیمی برای رفع آن مشکلات تبادل نظر و تصمیم‌گیری مناسب نمایند که این یکی از منافع بزرگ حج است:

«... یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرح‌هایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آن‌ها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند»^{۳۹}

از منافع حج و برکات همبستگی امت اسلام این است که یک قدرت توانمند و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی خواهند شد و از منافع ملی خود حراست و دفاع خواهند کرد و دست تطاول استعمارگران را که قرن‌ها دست به سوی کشورهای اسلامی دراز است و منابع و ثروت‌های آنان را چپاول می‌کند، قطع خواهند کرد و مقدرات خود را خود به دست خواهند گرفت. حضرت امام خمینی خطاب به مسلمانان جهان می‌گوید:

«هان! ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آبیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخواران از شما ببرد و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود و به زندگانی شرافتمندانه و ارزش‌های انسانی برسید»^{۴۰}

حج و مسأله برائت

برائت از دشمنان خدا و خلق و از آنچه مانع رشد و کمال انسان و سد راه سعادت اوست

قبل از آنکه بعد سیاسی - اجتماعی داشته باشد جنبه اعتقادی و تربیتی دارد و مؤمن به حکم انگیزه ایمانی و با تأسی به خدا و رسول می‌بایست از آنچه سد راه خدا است و از هر کس که در مقام خصومت با خلق اوست تبری جوید و علقه روحی و عملی خود را قطع کند و با دشمنان خدا و خلق، طرح دوستی نیفکند. قرآن کریم به این اصل مهم ایمانی اهتمام ورزیده و در سیره پیامبران به عنوان اسوه و الگو آورده است. از جمله از قول حضرت ابراهیم بنیانگذار حج آمده است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ﴾

(زخرف: ۲۶-۲۷)

«و آنگاه که ابراهیم به پدرش (آذر) و قومش گفت من از آنچه شما به جای خدای

یگانه می‌پرستید بیزارم...»

و مؤمنان را به تأسی جستن به ابراهیم و یارانش فراخوانده است:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ...﴾ (ممتحنه: ۴)

«برای شما در سیره ابراهیم و یارانش سرمشق نیکویی است. آنگاه که به قومشان

گفتند ما از آنچه جز خدا می‌پرستید بیزاریم. نسبت به شما کافریم و میان ما و شما

برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده تا هنگامی که به خدای یگانه ایمان آورید.»

برائت ابراهیمی در آیین جهانشمول اسلام، همچنان استمرار یافته و به شکل نهایی خود

می‌رسد. ابراهیم مبارزه با اقطاب شرک و اندیشه بت‌پرستی را آغاز می‌کند و حضرت محمد ﷺ

به تکمیل آن می‌پردازد و بت‌ها را از خانه کعبه بیرون می‌ریزد و با بت‌پرستان و مشرکان به نبرد

بر می‌خیزد و برائت از آنان را با بانگ بلند در موسم حج اعلام می‌دارد:

﴿وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ...﴾ (توبه: ۳)

بنا به مفاد این آیه کریمه، آغازگر برائت، خدا و پیام‌آور اوست و این تنها یک امر سیاسی

و مقطعی نیست بلکه برگرفته از مصدر ربوبی است و برای مؤمنان باید به عنوان یک اصل

ایمانی همواره در هر عصری سرمشق باشد. مفهوم برائت از بیزاری به عنوان یک امر قلبی فراتر

رفته و مستلزم کناره‌گیری و ابراز تنفر از دشمن و طرد و منزوی ساختن مشرکان و توطئه‌گران

است. سوره براءت در سال نهم هجرت نازل شد که دعوت اسلام گسترش یافته و دولت اسلامی مستقر شده و پیامبر از موضع قدرت با دشمن برخورد می‌کند، اعلام براءت آغاز یک جنگ روانی تبلیغی علیه جبهه کفر و شرک و زمینه ساز جنگ های میدانی و تهاجمی به منظور مقابله با روحیه استکباری و دفع فتنه و فساد است و سیاست خارجی اسلام با جهان کفر را در جنگ سرد و گرم مشخص می‌کند. اعلام براءت در روز حج اکبر (قربان، عرفه) بود که مسلمانان و مشرکان حضور داشتند و مؤمنان با بانگ بلند اعلام براءت را به گوش همه مردم؛ اعم از مسلمانان یا مشرکان رساندند.

آیات براءت خطر منافقان و مشرکان را که لحنی ظاهر فریب و دلی آکنده از کینه و عداوت دارند، گوشزد کرده و به مقاتله به اقطاب شرک و کفر و تعقیب و مجازات آنها فرمان می‌دهد، چه آنها آغازگر توطئه و خیانت بوده و کمر به نابودی اسلام بسته بودند. قطعنامه براءت را که بخشی از آیات سوره توبه و کلماتی چند از قول پیامبر ﷺ بود علی‌الاصح به امر پیامبر اعلام نمود.^{۴۱}

براءت سیاست اصولی اسلام

اعلان براءت که در تار و پود حج تعبیه شده، یکی از وقایع مهم عصر رسالت بوده و بنیانگذار آن، شخص رسول الله ﷺ به امر پروردگار متعال بود و سیره نبوی برای امت سرمشق جاودانه است؛ «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)

این سنت حسنه سال‌ها و قرن‌ها به فراموشی سپرده شده بود که امام خمینی رحمته الله علیه آن را احیا کرد. امام در پیام تاریخی خود به حجاج بیت‌الله، با تأکید بر اینکه براءت لازمه ایمان و عشق موحدان است، فرمود:

«حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» بت آله‌ها و اربابان «مُتَفَرِّقُونَ» شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر ﷺ در «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر ﷺ و اعلان براءت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان براءت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت

به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند.»^{۴۲}

حضرت امام در همین پیام در بخش دیگری می‌افزاید:

«فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیئات که امت محمد ﷺ و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلتبار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد ﷺ و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.»^{۴۳}

مقام معظم رهبری و مسئله برائت

در ادامه دیدگاه حضرت امام در مسئله برائت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بارها بر اعلام برائت در حج تأکید ورزیده‌اند؛ از جمله در پیام معظم‌له به حجاج بیت‌الله الحرام می‌خوانیم:

«کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمدی ﷺ و جوشش زمزم حسینی، این جرعه‌ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، حج بی‌تحرك و قیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح و معنای حج را فاقد است.»

بت‌های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان از خدا بی‌خبر و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حج با مضمون سازنده و روشن و الهام‌بخش، بشدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته‌اند.»^{۴۴}

معظم‌له در مناسبت دیگر و دیدار با زائران حریم شریفین، بر برائت در حج و رکن اساسی بودن آن تأکید ورزیده و فرمودند:

«برائت، حقیقتاً از ارکان حج است. بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می‌شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد.»^{۴۵}

و در دیداری دیگر فرمودند:

«روح یک عبادت، از آن قابل تفکیک نیست، حج باید مظهر توحید الهی باشد و برائت از کفار و اوثان و اصنام، یکی از دو رکن توحید است و این بت‌ها، تنها لات و عزی نیستند، بلکه امروز سران کفر و طاغوت‌ها و فتنه‌انگیزان عالم، بزرگ‌ترین بت‌های جهان هستند و کفر به این‌ها واجب‌تر است. اعلام برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و فعالیت‌ها و برنامه‌های آنان بر ضد اسلام و مسلمانان، جزو اصول مسلم حج است.»^{۴۶}

معظم‌له در مناسبت دیگر مسئله برائت را این‌گونه بیان فرموده‌اند:

«حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرمش ﷺ، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است: ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه: ۳). فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع‌الأسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند.»^{۴۷}

امنیت حرم

امنیت مکه و حرم الهی ریشه هزاران ساله دارد. پیامبر خدا ﷺ در دعای حضرت ابراهیم است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم: ۳۵) فرمود: «خداوند از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفرید مکه را حرم امن قرار داد و تا قیامت چنین خواهد بود و احدی حق ندارد این حریم را بشکند و آن را نا امن کند.»^{۴۸}

امنیت حرم در همه اعصار - حتی عصر جاهلیت - مورد احترام بوده و جنگ و خونریزی و تعرض به جان و مال دیگران در حرم امن الهی ممنوع بوده و از آن پرهیز می‌کردند. حتی اگر کسی قاتل پدر خود را در حرم می‌دید، متعرض او نمی‌شد تا از حرم خارج شود؛ ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷).

حج به عنوان یک عبادت جهان‌شمول، نموداری از یک جامعه امن انسانی - اسلامی و تمرینی است برای تأمین صلح و امنیت عمومی در حیات اجتماعی انسان. در این حریم امن حتی

پرندگان و حیوانات وحشی امنیت دارند.

تعرض به حریم امن الهی

قرآن کریم بیت و حرم را حریم امن قرار داده است؛ ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ (بقره: ۱۲۵)

کعبه، مکه و حرم برای همه انسان‌ها و جانداران و حتی گیاهان حریم امن است و هیچ کس حق ندارد آن را ناامن کند و برای متخلف، کفار و کیفر مقرر شده است. این حریم امن حتی در جاهلیت حرمت نهاده می‌شد و سنت جاریه الهی در همه اعصار بوده است. تنها کسانی که امنیت حرم را نقض کردند، وارثان ابوسفیان و حکام سفاک بودند که در عصر نخستین، حرم را برای فرزندان پیغمبر حسین بن علی علیه السلام ناامن کرده و یزید بن معاویه، جوخه ترور فرستاد تا آن حضرت را به قتل برسانند که آن بزرگوار با خروج از مکه در موسم حج، امنیت حرم را پاس نهاد. در واقعه دیگری در همان عصر، یزیدیان تخریب کعبه و کشتار مردم به دست عمال یزید در واقعه عبدالله بن زبیر بود.

در عصر اخیر نیز چنین جسارت و گستاخی در عربستان و در جوار حرم امن الهی رخ داد که در سال ۱۳۶۶ روز ششم ماه ذی‌حجه به کشتار مردم مسلمان و بی‌گناه و میهمانان خدا در شهر مکه دست زدند و صدها پرنده خونین بال را به جرم اینکه علیه آمریکا و اسرائیل تظاهرات کردند که جمعه خونین نام گرفت به شهادت رساندند و متعاقب آن رسانه‌های مزدور در خدمت بیگانه، تهاجم سنگینی را علیه زائران ایرانی به راه انداختند و مدت سه سال ایرانیان را از انجام فریضه حج محروم کردند و صدّ عن سبیل الله و مسجد الحرام نمودند.

در این رابطه حضرت امام خمینی علیه السلام بیانیه‌ای تاریخی و پیام روشنگر و کوبنده‌ای دادند که هرآنچه را لازم بود به اطلاع زائران بیت‌الله الحرام و مسلمانان جهان رساندند که بخشی از آن را می‌آوریم:

«مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهان‌خواران و اذتاب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر آمریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر

نیمه جان سالخوردهگان و بردهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمیگشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و آمریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: ﴿وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا﴾^{۴۹} پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیوررت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و مُحَرَّم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخید آمریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد صلی الله علیه و آله بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی‌سفیان و ابی‌لهب و ابی‌جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند و با خود می‌گویند: مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه‌اند؟! آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حَرَم است اما نه برای ناس، که برای آمریکا! و کسی که به آمریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی»ها و مفتی زادگان این نوادگان «بَلَعَمِ بَاعُورًا»ها، به قتل و کفر او حکم خواهند داد.

از پیام بسیار مهم حضرت امام خمینی علیه السلام در فاجعه کشتار زائران خانه خدا به همین مقدار بسنده می‌کنیم و اکنون به بخشی از پیام مقام معظم رهبری در همین زمینه می‌پردازیم.



سه سال پس از حادثه جمعه خونین که طی آن ایرانیان را از حج محروم کردند و عربستان اجازه ورود به حرمین را نداد. رهبر معظم مطالب بسیار مهمی را در پیام به حجاج بیت الله الحرام مطرح کردند که بخش اول آن در رابطه با رحلت حضرت امام علیه السلام و حادثه مکه بود:

«اول، غم شهادت فراموش نشدنی کبوتران خونین بال حرم را که سه سال پیش به جرم اعلام براءت از مشرکین، به تیغ کین و حقد حکام سعودی، در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده شدند. بندگان پرهیزگار و با اخلاصی که در خانه خدا - یعنی خانه خودشان - به خاطر خوشایند بیگانگان و دشمنان، به دست بیگانه پرستان و از خدا بی خبران، مظلومانه به شهادت رسیدند و با خون به ناحق ریخته خود، داغ ننگی بر پیشانی حکام ستمگر و خائن حجاز نهادند.

دوم، درد فراق خانه خدا و محرومیت از انجام مناسک حج و ممنوع شدن از حضور در محشر عام مسلمین را که به دست خود فروختگان، بر ایشان تحمیل شده و راه خانه خدا به روی آنان مسدود گشته است. این، یکی از عبرت انگیزترین وقایع دوران تحول خیز کنونی است که ملتی از همه به اسلام وفادارتر و از همه در راه خدا فداکارتر، از خانه خدا مسدود شود و از انجام فریضة اسلامی ممنوع گردد.

آن روی این صفحه شگفت انگیز آن است که حرم الهی، برای مستشاران آمریکایی و کمپانی داران نفتی امن باشد و برای مسلمانان پاکباز و خانه پرداز، ناامن و کمین صدها خطر. این، از جمله نشانه های غریبی است که خبر از وضعی بشدت ناهنجار می دهد و طبعاً در خود، بشارت تحولی و آینده ای بهنجار حمل می کند؛ ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ ... ۵۰

دولت جمهوری اسلامی برای گشودن راه کعبه مقصود، از هیچ تلاشی سرباز نزد و باز هم نخواهد زد. اما مدعیان تولیت حرمین شریفین برای جلوگیری از حضور حاجیانی که حج را به معنی درست آن شناخته و توحید الهی را با براءت از مشرکین همراه کرده اند، اصرار می ورزد.» ۵۱

میثاق با پیامبر و امام

از آثار حج، احیای میراث معنوی اسلام و میثاق با پایه گذاران این فرهنگ در حرمین است. مکه میعادگاه رسولان و سرآمد آنان، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله است که رایت بلند توحید را

در عصر حاکمیت شرک برافراشت و پیام آسمانی را از کنار کعبه معظمه به اقطار عالم رسانید و مدینه الرسول مهد شکل‌گیری این مکتب و تدوین منشور جاودان اسلام است. این دو شهر مقدس و حرمین شریفین همواره مورد توجه مسلمانان بوده و در حقیقت عاصمه توحید و تاریخ و جغرافیای مسلمین جهان را شکل می‌دهند.

در سفر حج باید بر آن خاطره‌های معنوی و فرهنگی مرور شود و اطلس حرمین زنده بماند و به دست فراموشی سپرده نشود.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این راز معنوی فرمود:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا... وَلِتُعْرَفَ آثارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَيُدْكَرَ وَلَا يُنْسَى».^{۵۲} خداوند در این سرزمین، اجتماع مسلمین،

از شرق و غرب را فراهم آورد تا مسلمانان جهان یکدیگر را بشناسند... و نیز آثار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اخبار آن شناخته شود و از آن یاد کنند و به دست فراموشی نسپارند.

و نیز از ادامه دهندگان راه پیامبر و پاسداران مکتب و وارثان نبوت یاد کنند. دعبل خزاعی

شاعر بلندآوازه شیعه در قصیده «تائیه» خود با اشاره به موطن اهل بیت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حرمین شریفین می‌گوید:

لَا لِرَسُولِ اللَّهِ بِالْحَيْفِ مِنْ مَنِيَّ	و بِالْبَيْتِ وَالتَّعْرِيفِ وَ الْجَمْرَاتِ
دِيَارِ عَلِيٍّ وَ الْحُسَيْنِ وَ جَعْفَرٍ	وَ حَمْزَةَ وَ السَّجَادِ ذِي الشَّفَنَاتِ
وَ سِبْطِي رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنِي وَ صَبِيهِ	وَ وَارِثِ عِلْمِ اللَّهِ وَ الْحَسَنَاتِ
مَنْزَلُ كَانَتْ لِلصَّلَاةِ وَ لِلتَّقَى	وَ لِلصَّوْمِ وَ التَّطَهْرِ وَ الْحَسَنَاتِ ^{۵۳}

«خاندان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در خیف - که از سرزمین مناسبت - و رکن و عرفه و جمرات آثاری است. آنجا دیار علی و حسین و جعفر است و نیز حمزه و سجاد آنکه آثار سجده بر پیشانی داشت. و هم دو سبط رسول الله و دو فرزند وصی او، که وارث علم خدا و کانون نیکی‌ها هستند. خانه‌هایی که جایگاه نماز و تقوا و روزه و پیراستگی و نیکوکاری بودند.»

از این رو، زیارت نبی گرامی و ائمه طاهر علیهم السلام مکمل حج و معنا بخش آن است:

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَ لَمْ يَزُرْنِي بِالْمَدِينَةِ فَقَدْ جَفَانِي».^{۵۴}

امام باقر علیه السلام: «إِنْدًا بِمَكَّةَ وَ اخْتِمَ بِالْمَدِينَةِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ».^{۵۵}

همچنین امام باقر علیه السلام: «مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ».^{۵۶}

امام صادق علیه السلام: «إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيُحْتِمِ حَجَّهُ بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ».^{۵۷}
 و نیز امام صادق علیه السلام: «إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَنَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ».^{۵۸}
 روایات به این مضمون بسیار است که حج بی ولایت و برائت حج نیست در حقیقت اعلام
 همبستگی با ولی امر، مَهر تأییدی است بر مناسک حج و قبولی اعمال.
 جای جای مکه و مدینه، گنجینه‌های خاطره‌هایی است جاودانه که دست زمان و حوادث دوران
 آن را نسوده و با حیات ایمان زنده و با تاریخ رجال فضیلت و تقوا آمیخته است. از این رو، حج از
 مرزهای جغرافیا فراتر رفته و تاریخ جاودان رسالت و هدایت نهضت رهپویان وادی نور و عدالت
 و محبت تا قیام جهانی حضرت مهدی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک. علل الشرائع، ج ۲، صص ۴۰۴ و ۴۰۵ «إِنَّ ذَا الْقُرْنَيْنِ حَجَّ مَا شَاءَ، فَسَمِعَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَتَلَقَاهُ» فاكهي، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹۲
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲
۳. التهذيب، ج ۵، صص ۴۵۷ - ۴۵۴
۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۱۹
۵. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴
۶. نهج البلاغه، خطبه ۱
۷. صحيفه حج، ج ۱، ص ۲۷
۸. علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۲۴
۹. صحيفه حج، ج ۱، ص ۱۰۷
۱۰. همان، ج ۲، ص ۸۸
۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۸
۱۲. علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۴۶
۱۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۵۴
۱۴. علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۹۹
۱۵. غرر الحكم، ص ۴۸۸
۱۶. نهج البلاغه، خطبه اول.
۱۷. وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۱۴
۱۸. دلائل الامامه، طبري، ص ۱۱۳
۱۹. وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۱۵؛ فروع كافي، ج ۱، ص ۲۳۲؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۹۶
۲۰. صحيفه حج، ج ۱، ص ۲۵۰
۲۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۰
۲۲. همان، ج ۲، ص ۴۲
۲۳. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، سال ۹۰ ه. ش. ۱۴۳۲ ه. ق.

۲۴. کلام علی عنه السلام: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَحَجُّ الْأَعْيَانِ حِجَارَةً وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً» و سائل الشيعه، ج ۸، ص ۴۱، ناظر به همين مطلب است.
۲۵. صحيفه حج، ج ۱، ص ۲۵۱
۲۶. همان، ج ۱، ص ۲۴۹
۲۷. همان، ج ۲، ص ۹۹
۲۸. همان، ج ۲، صص ۱۱۸ و ۱۱۹
۲۹. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۲۴
۳۰. صحيفه حج، ج ۱، صص ۱۲۱ و ۱۲۲
۳۱. همان، ج ۲، ص ۲۶
۳۲. همان، ص ۵۸
۳۳. همان.
۳۴. صحيفه حج، ج ۲، ص ۹۸
۳۵. همان، ص ۴۴
۳۶. همان، ص ۵۱
۳۷. صحيفه حج، ج ۱، ص ۲۳
۳۸. همان.
۳۹. همان، ص ۲۳
۴۰. همان، ص ۱۰۷
۴۱. برگرفته از مجمع البيان و تفسير كبير رازی.
۴۲. صحيفه حج، ج ۱، صص ۱۹۷ و ۱۹۸
۴۳. همان، ص ۲۰۱
۴۴. صحيفه حج، ج ۲، ص ۲۷
۴۵. همان، ص ۹۲
۴۶. همان، ص ۱۷۷
۴۷. همان، ص ۵۹
۴۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۵۹؛ نقل به مضمون و نیز صحيح مسلم و منابع ديگر.
۴۹. بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به انجام مناسک حج ندا ده تا پياده و سواره از دورترين نقاط به سوی تو گرد آيند».
۵۰. شرح: ۵ و ۶
۵۱. صحيفه حج، ج ۲، صص ۴۲ و ۴۳
۵۲. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۳؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۰۵
۵۳. اعيان الشيعه، ج ۵، صص ۴۱۸ و ۴۱۹
۵۴. جامع الاخبار، فصل ۸، ص ۲۰
۵۵. کافی، ج ۴، ص ۵۵۰
۵۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۷۸
۵۷. علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۵۹
۵۸. همان، ج ۲، ص ۴۰۶